

[مختار مرحوم آخوند 1](#_Toc84875628)

[نظریه مرحوم نائینی 1](#_Toc84875629)

[مخالفت با مرحوم نائینی 2](#_Toc84875630)

[اشکال نقضی بر مرحوم نائینی 2](#_Toc84875631)

[جواب استاد 3](#_Toc84875632)

[جواب حلی به مرحوم نائینی و قبول آن توسط استاد 3](#_Toc84875633)

[دفاع مرحوم روحانی از مرحوم نائینی 4](#_Toc84875634)

**موضوع**: نهی از جزء عبادت /مقدمات بحث /مساله اقتضا

**نهی از جزء عبادت**

## مختار مرحوم آخوند

بحث در مورد فرمایش مرحوم آخوند بود. ایشان در نهی از جزء عبادت مثل نهی از سور عزائم در صلات، گفته بود این نهی از عبادت است و اگر بنا باشد مقتضی فساد باشد، این جزء فاسد است. مثل کل عبادت. شما سوره سجده دار را در نماز قرائت کنید، به خاطر منهی عنه بودن فاسد است و جزء نماز واقع نمی­شود. تا این جا بحثی نداریم. مرحوم آخوند در ادامه فرمود: اما می­شود ما این عملی که مشتمل بر این محرَّم واقع شده است را تصحیح کنیم. یعنی یک سوره دیگری بخواند. البته اگر تکرار مخل نباشد. مثلا کسی بگوید قِران بین دو سوره مبطل نماز نیست، در طواف است که مبطل است. حق هم همین است. پس نمازی که در آن سوره سجده دار واقع شده است با تکرار سوره دیگر قابل تصحیح است. لذا ایشان قائل است که نماز با سوره عزائم اگر سوره دیگری بخواند صحیح است.

## نظریه مرحوم نائینی

مرحوم نائینی مخالف مرحوم آخوند است. ایشان مدعی است که چنین نمازی قابل تصحیح نیست هر چند که قِران جایز باشد. کلام مفصلی در اجود و فوائد دارد. مرحوم صدر هم دنبال کرده است.

ایشان فرموده است[[1]](#footnote-1): گاهی اوقات در جزء عدد خاصی معتبر است، مثل این که قِران مبطل باشد. در این صورت بحثی نیست و قابل تصحیح نیست. مرحوم آخوند هم در این نقطه موافق بود. اما اگر عدد خاصی معتبر نباشد، مثل این که قران مبطل نباشد. سوره مثلا لابشرط است یک سوره یا دو سوره... در این صورت اگر نهی از سوره داشته باشیم، نماز باطل است هر چند که سوره لابشرط است و بشرط لا از سوره دیگری نیست.

مرحوم نائینی یک ادعایی دارد و آن این است: مقتضای جمع بین دلیل جزئیت مثل «اقرا السوره فی الصلا»ة با نهی از «لا تقرا سور العزائم فی الصلاة» این است که قران به سوره محرَّم صحیح نیست. سوره ای واجب شده است که بشرط لای از سوره عزائم است. ایشان مدعی است: دلیل نهی از سوره عزیمه تقیید می­زند دلیل جزئیت را به عدم آن سوره و شرط لای از آن سوره. عرف این گونه بین این دو دلیل جمع می­کند. لذا اگر کسی سوره عزیمت را خواند نماز قابل تصحیح نیست.

هم دلیل جزئیت مقید به شرط لا می­شود و هم دلیل قران جایز است که فرض این است عدد خاص معتبر نیست، تخصیص زده می­شود. دلیلی که می­گوید ذکر در نماز مانعی ندارد هم تخصیص زده می­شود یعنی مگر در سوره محرم.

دلیل حرمت مقیِد این ادله می­شود؛ لذا سوره ای که بعد از سوره عزائم خوانده می­شود فایده ندارد و نماز باطل است. بلکه مدعی است که دلیل حرمت سوره عزائم کل نماز را مقید به شرط لا می­کند. شما اگر سوره عزیمت را در تشهد بخوانید، باز هم باطل است. چه در محل و چه در غیر محل، مبطل نماز است.

خلاصه: مرحوم آخوند مدعی است اگر کسی سوره عزیمت را بخواند و بعد سوره دیگری بخواند، بنا برجواز قران، نماز صحیح است. یعنی راه تدارک دارد؛ ولی مرحوم نائینی می­گوید راه تدارک ندارد.

نقطه اصلی بحث این است: نهی از سوره عزیمت موجب تخصیص ادله جواز قران و ادله جزئیت سوره و ادله امر به صلات و ادله جواز ذکر در صلات می­شود و مقتضای تقیید هم بطلان است.البته مرحوم نائیین مطالب دیگر دارد که خیلی مهم نیست.

### مخالفت با مرحوم نائینی

در مقابل این فرمایش، بعضی مخالفت کرده اند و مثلا گفته اند این حرف گفتنی نیست و در شان ایشان نیست و بعضی هم تایید کرده اند و گفته­اند صحیح است. مرحوم صدر می­گوید این حرف اصلا گفتنی نیست. مرحوم خویی هم قائل به عدم صحت فرمایش نائینی شده است البته نه به آن شدت.

#### اشکال نقضی بر مرحوم نائینی

اگر بنا باشد ادله حرمت سوره عزیمه مثلا نسبت به نماز تقیید آور باشد، باید حرمت نظر به اجنبیه هم مقید صلات باشد. چه فرقی است که شخصی در وسط نماز سوره عزیمت بخواند و بین این که در نماز به اجنبیه نظر کند. مشابه این نقض در کلام مرحوم حلی هم هست.

##### جواب استاد

به نظر ما این نقض وارد نیست. نظر به اجنبیه از سنخ نماز نیست و وجهی ندارد که دلیل نماز را تقیید بزند. عرف بین این دو دلیل تنافی نمی­بینند تا حمل مطلق بر مقید کند. یکی فعلی خدایی است و دیگری شیطانی است. اصلا تنافی توهم نمی­شود. بر خلاف این که گفته است: سوره عزیمت در نماز حرام است و در نماز سوره واجب است. قطعا تقیید آور است. سوره را مقید می­کند. وقتی گفت عزیمه حرام است، صلاحیت تقرب ندارد. قطعا تقیید رخ می­دهد. دلیلی که گفته است قران جایز است مقید می­شود به دلیل حرمت سوره عزیمه.

#### جواب حلی به مرحوم نائینی و قبول آن توسط استاد

هر چند که دلیل تحریم تقیید آور است؛ اما مقتضای تقیید به شرط لا بودن نیست. یک خطاب می­گوید سوره در نماز بخوان و دیگری می­گوید عزیمه را نخوان. قطعا تقیید می­زند؛ ولی تقیید را بد معنا کرده است. تقیید به معنای سوره به شرط لا نیست. معنای تقیید این است که سوره عزیمه نمی­تواند جزء باشد. سوره غیر عزیمه جزء نماز است. اما این که سوره نباید مقارن با عزیمه باشد، از نهی استفاده نمی­شود. نهی صلاحیت سوره عزیمه را از جزئیت ساقط می­کند اما این که سوره غیر منهی عنه را مشروط به عدم مقارنت کند، استفاده نمی­شود. جزئیت را ضیق می­کند؛ ولی مشروط به عدم عزیمه نمی­کند. نهی می­گوید سوره نباید عزیمه باشد نه این که نباید با عزیمه باشد. اشکال ندارد که بگوید حرام است سوره مقارن به عزیمه باشد اما مشروط به عدم عزیمه نمی­کند.

بله؛ نسبت به جواز ذکر درست است که ذکر در نماز جایز است؛ مگر سوره عزیمه. اما این که مرحوم نائینی نتیجه گرفته است به این که شبیه کلام آدمی است؛ درست نیست. یک بحثی است که در نماز چه چیزهایی مانع است؟ بعضی می­گویند کلام آدمی و بعضی می­گویند ذکر خدا و قرآن نباشد. مرحوم نائینی می­گوید وقتی که نهی داشت ذکر خدا نیست و مبطل نماز است. این مطلب داستانی دارد که مربوط به فقه است و در این جا مهم نیست.

در خصوص این مثال که اگر سوره عزیمه را خواند، بعد یک سوره دیگری خواند، تفصیل وجود دارد. اگر سوره عزیمه را خواند و سجده هم کرد نماز باطل است و خلل به وجود آمده است اما اگر ایمائی سجده کرد و بعد سوره دیگری خواند، مرحوم آخوند می­گوید صحیح است.

در این جا حق با مرحوم آخوند است.

#### دفاع مرحوم روحانی از مرحوم نائینی

مرحوم سید الاستاذ در منتقی الاصول از مرحوم نائینی دفاع کرده است. تا به حال رد مرحوم نائینی را گفتیم. ایشان از مرحوم نائینی دفاع کرده است که یک مقدمه دارد. این مقدمه در بحث مقدمات علم اصول گذشت. آیا مثلا مستحبات مقوّم ماموربه هستند یا نه؟ خصوصیات مقوم هستند یا نه؟ مثل مرحوم خویی قائل به عدم مقوم بودن هستند. اگر کسی نماز را با تفصیلات و اذکار و ... خواند، ذات نماز مصداق است و بقیه مستحبات مستقله ای هستند که ظرف آنها نماز است. مثلا قنوت مستحب مستقلی است که ظرف ان نماز است. در مقابل بعضی می­گفتند: ماموربه طبیعت نماز است ولی به همه آنها همان طبیعت نماز منطبق هستند. خصوصیات مقدمات فرد ماموربه است. نظیر حوضی که جزء طبیعت ساختمان نیست ولی اگر حوض هم داشته باشد مصداق ساختمان هست. اگر گفت منزلی خریدم، بر کل منطبق می­شود.ذهنیت ما این بود که طبیعت بر کل منطبق می­شود. منتقی الاصول هم این نظریه را اختیار کرده است. مثلا نماز با قنوت منطبق علیه صلات است. مردم در این موارد تحلیل نمی­کنند که این منطبق علیه چند تا ماموربه است. با این مقدمه از مرحوم نائینی دفاع کرده است و نقض را هم جواب داده است. فرموده است: در مسانخ که سوره هم مسانخ است، مقوم فرد است. بنا بر این، اگر بنا باشد که خصوصیت محرم باشد، طبیعت بر آن منطبق نیست. اگر سوره عزیمه خوانده شود، این مجموعه نمی­تواند منطبق علیه صلات باشد. بر خلاف نظر به اجنبیه که نماز بر ما عدای نظر منطبق می­شود.

ادامه بحث در جلسه آینده.

1. اجود التقریرات ج 1 ص397 [↑](#footnote-ref-1)